



پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته فقه مقارن و حقوق جزای اسلامی

عنوان پایان نامه

مجازات اعدام در غیر موارد منصوص در فقه مذاهب خمس و حقوق افغانستان

استاد راهنما

دکتر محمد عادل ضیائی

استاد مشاور

دکتر جلیل امیدی

نگارش

مولوی عبدالواحد حماد

پاییز ۱۳۹۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به

- محضر روح ارزشمند پدر و مادر عزیزم جهت آن همه محرومیت‌های ندیدن فرزندشان در طول مدت و دوران تحصیل بنده و در مجموع اعضای فامیلم که واقعاً مدت زیادی را در حالت نبود سرپرست گذراندند و متحمل رنج و مشقت‌های زیاد گردیدند؛ به‌ویژه برادر بزرگم عبدالوهاب.

- به پسر مامایم الحاج دکتر عبدالاحد (عاطف) که واقعاً تنها شخصی بودند که به من آموخت چگونه روی پاهایم بایستم و همانند فرزندش یاریم کرد و درس نحوه صحیح زندگی را به من یاد داد.

- و به فرزندانم که واقعاً دیدنشان برایم همچون نسیم بهاری ایجاد تنفس حال و هوای جدید را فضا ستانی می‌کرد.

هریک بی‌بی عایشه (مهسا) بی‌بی طیبه (مهشید) و مراد محمد که (یوسف)، من رنج دوری اولاد را تحمل می‌کردم و آن‌ها رنج دوری پدر را.

- به استادان فرزانه و فرهیخته‌ای که در راه کسب علم و معرفت من را یاری نمودند؛

اسامی ایشان را درج پایان‌نامه برای کسب فیض و برکت می‌نمایم:

استاد معظم آقای بهرام کریمی، آقای دکتر جعفری هرنندی، آقای دکتر محمود ویسی، آقای دکتر مرتضی چیت‌سازیان، آقای دکتر عابدین مؤمنی، آقای دکتر علی اکبر فرح زادی، استاد خیلی مهربان و دلسوز سرکار خانم دکتر افتخار دانش پور، آقای دکتر محمود کریمی.

- به آنان که در راه کسب علم و معرفت و دانش مرا راهنمایی نمودند و راهنما برایم بودند.

- در عموم برای کسانی که نفس خیرشان و دعای روح پرورششان بدرقه راهم بود؛ به تمام آزادمردان که نیک می‌اندیشند و عقل و منطق را پیشه‌ی خود نموده و جز رضای الهی و پیشرفت جامعه هدفی ندارند.

تقدیر و تشکر

به مصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» بسی شایسته است

از استاد محترم راهنما

استاد فرهیخته و فرزانه جناب آقای دکتر محمد عادل ضیائی که با کرامتی چون خورشید سرزمین دل را روشنی بخشیدند و گلشن سرای علم و دانش را با راهنمایی‌های کارساز و سازنده باور ساختند و متحمل زحمات زیاد و بی دریغ شدند تقدیر و تشکر می‌نمایم.

هم‌چنین از استاد محترم مشاور

استاد محترم جناب آقای دکتر جلیل امیدی که با نظرات ارزنده خویش و با دقت ستودنی، مرا در پیش برد اهداف این نوشتار یاری داده‌اند و سهم بسزایی در پیش برد تکمیل این پایان‌نامه داشته‌اند.

و دیگران ...

از دیگر کسانی که در نوشتن این پایان‌نامه به من یاری نمودند:
بخش آموزش، بخش فرهنگی، اداره حراست با تمام کارکنانش، تشکر ویژه از کارکنان کتابخانه‌ی دانشگاه که واقعاً در هر حال مرا تحمل نمودند، جا دارد اظهار تشکر و قدردانی نمایم.

چکیده:

کشتن انسان‌های بی‌گناه، از گناهان کبیره محسوب شده و به تعبیر قرآن قتل نفس بدون ارتکاب قتل یا فساد در زمین، همانند کشتن همه‌ی انسان‌هاست و به همین خاطر در نصوص شرعی، قتل افراد معصوم به موارد معینی همانند قتل نفس، زناى محصنه و ارتداد محدود شده است. با این حال ارزیابی اعمال ارتكابی از سوی بعضی مجرمان موجب این گمان می‌شود که بعضی از این جنایات از حیث شدت با جنایات فوق برابری کرده و حتی گاه شدیدتر از آنهاست؛ بنابراین باید برای این‌گونه اعمال هم که نص صریحی در مورد قتل مرتکبین آنها وجود ندارد مجازات اعدام در نظر گرفت. به طور کلی در مورد اعدام در غیر موارد منصوص دو دیدگاه وجود دارد: مخالفان معتقدند که اولاً نصوص، قتل را به موارد خاص محدود کرده‌اند و تعدی از آن موارد جایز نیست. ثانیاً حیات، نخستین حق هر فرد است و با کشتن او این حق به تبع آن حقوق دیگری او از بین رفته و قابل برگشت نیز نمی‌باشد. ثالثاً بازدارندگی قطعی مجازات اعدام در جلوگیری از تکرار جرم به اثبات نرسیده است. رابعاً اعدام، مجازاتی خشن است که با ارزش‌های انسانی منافات دارد. خامساً وجود قوانین اعدام در کشور بهانه به دست حکومت‌ها می‌دهد تا با سوءاستفاده از آن به سرکوب مخالفین پردازند و یا موجب هجمه‌ی کشورها و نهادهای بین‌المللی بشود. در مقابل، موافقان معتقدند که وجود اعدام در موارد غیر منصوص، بازدارندگی را به دنبال دارد و موجب اجرای عدالت می‌گردد و در موارد قابل توجهی تنها راه مبارزه با جرائم سازمان‌یافته سهمگین، مجازات اعدام است و اگر در نصوص شرعی تصریحی بر جواز مجازات اعدام در غیر موارد منصوص وجود ندارد این مجازات با روح شریعت و با قواعد کلی شرع موافق است. با بررسی دیدگاه‌ها و ادله‌ی دو گروه می‌توان گفت که محدود ساختن اعدام به موارد مذکور در نصوص شرعی، اهداف شریعت را برآورده نمی‌سازد؛ بنابراین با رعایت شروط و ضوابط می‌توان در جرائم سنگین همانند مواد مخدر و افشای اسرار نظامی کشور در زمان جنگ، قائل به وجود مجازات اعدام برای مرتکبین این اعمال بود. قانون کیفری افغانستان اعدام را در مواردی جایز شمرده که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود: جاسوسی علیه کشور به نفع دولت خارجی، افشای اسرار دفاعی کشور به دولت خارجی در زمان جنگ، تلف کردن اشیائی که جز اسرار محسوب گردد در صورتی که به نفع دولت مخالف در زمان جنگ باشد، تضعیف روحیه‌ی قوای مسلح یا مردم به نفع دولت خارجی در حال جنگ با افغانستان، اقدام علیه حیات یا آزادی رئیس‌جمهور، تحریک مردم به قیام مسلحانه علیه دولت.

واژگان کلیدی: اعدام، مذاهب خمسه، تعزیر، قصاص، حقوق افغانستان، قتل، جاسوس.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول	۴
کلیات	۴
و مفاهیم	۴
مبحث اول: مفهوم اعدام	۵
گفتار اول: معنای لفظی اعدام	۵
گفتار دوم: مفهوم عرفی اعدام	۵
گفتار سوم: اعدام در اصطلاح فقهی	۶
گفتار چهارم: تعریف حقوقی اعدام	۶
مبحث دوم: مشروعیت اعدام در فقه اسلامی	۷
گفتار اول: مجازات اعدام در شریعت اسلامی	۷
مبحث سوم: اعدام در موارد منصوص در فقه مذاهب اسلامی	۸
گفتار اول: قتل نفس محترم	۸
گفتار دوم: قتل زانی محصنه	۹
شرایط احصان از نظر اهل سنت	۱۲
بند اول: طرق اثبات زنا نزد اهل سنت اگر فرد محصنه مرتکب عمل زنا شود، اثبات زنا با دو طریق تحقق می‌یابد ۱: اقرار ۲: شهادت شهود	۱۲
بند دوم: شرایط اثبات زنا نزد امامیه	۱۲
شرایط احصان نزد امامیه	۱۳
بند سوم: ادله حد سنگسار	۱۳
۱- از قرآن (در فقه اهل سنت و امامیه)	۱۳
۲- دلایل روایی اهل سنت	۱۴
۳- دلایل روایی امامیه	۱۴
گفتار سوم: محاربه و افساد در زمین	۱۵
گفتار چهارم: ارتداد	۱۵
گفتار پنجم: مبارزه با نظام اسلامی	۱۶

۱۸	مبحث چهارم: مجازات اعدام از دید موافقین و مخالفین و ادله آن‌ها
۱۸	گفتار اول: موافقین مجازات اعدام
۱۹	گفتار دوم: ادله‌ی طرف داران مجازات اعدام
۲۱	گفتار سوم: اعدام از دید مخالفین
۲۲	گفتار چهارم: دلایل مخالفان مجازات اعدام
۲۴	گفتار پنجم: مقایسه و ترجیح دلیل اقوی
۲۵	گفتار ششم: رد نظریه‌ها از دیدگاه علماء
۲۷	گفتار هفتم: اهداف مجازات اعدام در فقه اسلامی
۲۹	مبحث پنجم: اعدام در حقوق و قوانین افغانستان
۲۹	گفتار اول: در مورد اخلال در زمان جنگ
۳۰	گفتار دوم: اعدام مرتکب قتل عمد
۳۰	گفتار سوم: در مورد راه زن قاتل
۳۱	مبحث ششم: مجازات اعدام در تمدن‌های کهن
۳۱	گفتار اول: در سرزمین‌های بین‌النهرین
۳۲	گفتار دوم: مجازات اعدام در نزد ایرانیان دوران هخامنشی
۳۲	گفتار سوم: مجازات اعدام در یونان
۳۳	گفتار چهارم: اعدام در روم و قوانین مربوط به آن
۳۳	گفتار پنجم: اعدام در سرزمین‌های عربی
۳۵	مبحث هفتم: اعدام در ادیان آسمانی
۳۵	گفتار اول: مجازات اعدام در یهودیت و آیین آن‌ها
۳۶	گفتار دوم: مجازات اعدام در آیین مسیح
۳۶	گفتار سوم: اجرای علنی مجازات اعدام
۳۹	مبحث هشتم: لغو یا بقای مجازات اعدام در قوانین کشورها
۴۱	مبحث نهم: اسباب سقوط اعدام
۴۲	فصل دوم
۴۲	اعدام در غیر موارد منصوص در فقه مذاهب پنج‌گانه
۴۳	مبحث اول: حکم کلی فقهی اعدام در غیر موارد منصوص
۴۳	گفتار اول: نظر فقه مذاهب اهل سنت

- گفتار دوم: نظر فقه امامیه ۴۶
- مبحث دوم: بررسی مصداق اعدام در غیر موارد منصوص ۴۹
- گفتار اول: ناسزا گفتن به پیامبر (ص) ۴۹
- بند اول: دیدگاه اهل سنت ۴۹
- بند دوم: دلیل عقلی بر اعدام سب النبی ۵۱
- بند سوم: حکم ناسزا گفتن به پیامبر (ص) و ائمه (ع) از نظر امامیه ۵۱
- بند چهارم: ادله روایی امامیه ۵۱
- بند پنجم: حکم قتل، از کدام باب فقهی است؟ ۵۳
- اهل سنت: ۵۳
- امامیه: ۵۴
- بند ششم: کشتن «سب النبی» جایز است یا واجب؟ ۵۷
- بند هفتم: آیا اذن امام لازم است؟ ۵۸
- امامیه: ۵۸
- بند هشتم: حکم سب النبی در قانون موضوعه ایران ۵۹
- گفتار دوم: ناسزا گفتن به صحابه (رض) ۶۰
- گفتار سوم: جاسوسی برای دشمن ۶۱
- بند اول: عناصر تشکیل دهنده‌ی خیانت به کشور ۶۲
- بند دوم: معیارهای تشخیص جاسوس خائن به کشور در مفهوم فوق ۶۲
- بند سوم: مصادیق و مجازات جاسوسی در قانون مجازات اسلامی ۶۲
- بند چهارم: نظر اهل سنت در مورد جاسوس در مسیر فقه و فقها ۶۳
- بند پنجم: مجازات جاسوس در فقه امامیه ۶۴
- بند ششم: مصادیق و مجازات جاسوسی ۶۵
- بند هفتم: مصادیق خیانت به کشور ۶۵
- بند هشتم: مجازات جاسوس در حقوق کیفری افغانستان ۶۶
- گفتار چهارم: دعوت به بدعت ۶۶
- تعریف لغوی بدعت ۶۷
- تعریف اصطلاحی بدعت ۶۷
- بند اول: اقسام بدعت از نظر علمای اهل سنت و امامیه ۶۷

- بند دوم: حکم دعوت کننده به بدعت در نزد فقهای مذاهب پنج گانه ۶۸
۱. اهل سنت ۶۸
۱. امامیه ۶۹
- گفتار پنجم: تکرار جرم و مجازات آن ۷۰
- بند اول: در نزد اهل تسنن ۷۰
- بند دوم: تکرار جرم در مذهب امامیه ۷۱
- بند سوم: تکرار جرم در قانون مجازات اسلامی ماده ۱۳۶ ۷۲
- بند چهارم: تکرار جرم در قانون جمهوری اسلامی ایران ۷۲
- گفتار ششم: انجام عمل سحر ۷۲
- بند اول: انجام عمل سحر و حکم آن در فقه اهل سنت ۷۲
- بند دوم: حکم سحر در فقه امامیه ۷۳
- گفتار هفتم: عمل لواط ۷۴
- بند اول: آراء فقهای اهل سنت در مورد حکم لواط ۷۴
- بند دوم: حکم انجام عمل لواط نزد امامیه ۷۷
- بند سوم: مجازات اعدام در ماورای نص در قانون قوای مسلح جمهوری اسلامی ایران ۷۹
- بند چهارم: اعدام در موارد غیر منصوص در قانون مجازات اسلامی ایران ۸۲
- فصل سوم ۸۵
- اعدام در غیر موارد منصوص در قوانین افغانستان ۸۵
- مبحث اول: پیشینه اعدام در غیر موارد منصوص در حقوق افغانستان ۸۶
- گفتار اول: نگاهی به پیشینه تاریخی قانون اساسی در افغانستان ۸۶
- گفتار دوم: پیشینه اعدام ۸۷
- گفتار سوم: بررسی مجازات اعدام در قانون کیفری افغانستان ۸۷
- گفتار چهارم: برای مرتکب قیام مسلحانه علیه دولت افغانستان ۸۸
- ماده ۱۷۵ مجازات اعدام مقرر داشته است ۸۸
- گفتار پنجم: جرائم علیه امنیت داخلی دولت ۸۹
- مبحث دوم: وضع موجود اعدام در غیر موارد منصوص در حقوق افغانستان ۹۳
- پیشنهادها ۹۷

مقدمه

خداوند انسان را در نیکوترین صورت آفرید و او را به بهترین وجه گرامی داشت. خداوند انسان را جانشین خود در زمین نهاد تا زمین را آباد گرداند و در آن روزگار بگذراند. خداوند وسایل زندگانی را در دریا و خشکی برای انسان فراهم نمود و احساس نیاز به هم‌زیستی با هم نوعانش را در او ایجاد کرد و آن‌گاه خداوند پیامبرانش را به‌سوی انسان فرستاد تا به او چگونه زیستن را بیاموزاند، تا برایش راه خوبی‌ها و رفتار سنجیده و سرشت سالم را تبیین کنند. محمد (ص) آخرین پیامبر خداوند بود. خداوند ایشان را با این اسلام به‌سوی بندگانش ارسال داشت، آیینی که همه‌اش رحمت، حکمت و مصلحت است، آیینی که بر تمام جوانب زندگانی احاطه دارد؛ اما سرشت انسان‌ها متفاوت است و دائماً در جهت صلاح حرکت نمی‌کند. طبیعی است برخی انسان‌ها از رویش خداوند گونه منحرف شوند و جرائمی را مرتکب گردند، حقوق همدیگر را پایمال کنند و توازن اجتماعی را برهم زنند. اینجا است که برای بازگشت به توازن، نیاز به ساز و کاری بازدارنده احساس می‌شود.

الف - طرح مسئله

فقه اسلامی انسان‌ها را از ارتکاب جرائم و سرباز زدن از اوامر و نواهی خداوند را به وسیله‌ی ترساندن از خشم خداوند، مجازات اخروی و دور شدن از رحمت و نعمت الهی بر حذر داشته است. این بازدارندگی در موارد بسیاری از مؤمنان کارگر می‌افتد و آن‌ها را از ارتکاب جرائم و گناهان بازمی‌دارد؛ اما فقه اسلامی برای بازداشتن انسان‌ها از گناه و جرم، به مجازات اخروی بسنده ننموده است؛ زیرا در مورد انسان‌هایی که با دین پیوند ضعیفی دارند، ترساندن از خشم و عذاب خداوند در آن جهان، تأثیر چندانی نخواهد داشت، به همین دلیل فقه جهت تضمین خوشبختی و امنیت جامعه و باز داشتن از اندیشه‌ی جرم و آزار، در مورد برخی از جرائمی که ارتباط با ارکان و مصالح عمده جامعه دارند، مجازات‌هایی در این جهان نیز در نظر گرفته است. یکی از این مجازات‌ها، اعدام است که شامل اعدام در موارد منصوص و در غیر موارد منصوص می‌شود. بحث حاضر که به اعدام در موارد غیر منصوص پرداخته است این را بازگو خواهد کرد که فقه به‌طور محدود و در جرایم بسیار خطرناک از اعدام به‌عنوان ابزاری بازدارنده و به‌عنوان سزای عادلانه بکار گرفته است، این جرائم نظر به این که ریشه‌ای در جان بزه‌کار دارند و نسبت به میزان آسیبی که به جامعه وارد می‌آورند اهمیت بسزایی دارند.

ب- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

حرمت قتل نفس و احترام خون انسانها از مسائلی است که در همه ی شرایع آسمانی به آن اشاره شده است. دین مبین اسلام نیز برای این مسئله ی مهم، اهمیت فوق العاده ای قائل است. یکی از مباحثی که در قتل بین فقهای مذاهب اسلامی مطرح بوده و در آن اختلاف کرده اند مبحث کشتن من باب غیر منصوص با توجه به تعریف حد و موارد غیر منصوص یا تعزیرات است. اینکه گفته شده میزان مجازات در غیر منصوص نباید به پایه ی حد برسد. این سؤال پیش می آید که آیا حاکم می تواند من باب حکمی محول به حاکم از سوی شارع مقدس، کسی را اعدام کند یا خیر؟ و از آنجایی که بحث زنده ماندن و مرگ کسی در میان است تحقیق پیرامون این موضوع اهمیت والایی دارد.

ج- اهداف تحقیق

مهم ترین اهداف این پژوهش به شرح زیر است:

- ۱- جمع آوری و نقل آرا و ادله مذاهب فقهی پیرامون موضوع مورد بحث جهت استفاده پژوهشگران و علاقمندان.
- ۲- انجام یک پژوهش مستقل و جامع در باب اعدام در غیر موارد منصوص جهت استفاده ی قانون گذاران برای اصلاح احتمالی قوانین بر اساس رأی صواب.
- ۳- مطالب مربوط به اعدام در غیر موارد منصوص در اختیار قضات و مسوولین قضایی قرار داده شود تا در تصمیم گیری ها و اجرای قوانین از آن استفاده شود.

د- سؤالات تحقیق

- ۱- حکم اعدام در غیر موارد منصوص در فقه مذاهب اسلامی شرعی چه جایگاهی دارد؟
- ۲- در قوانین موضوعه افغانستان حکم اعدام در غیر موارد منصوص چیست؟

ه- فرضیه های تحقیق

- ۱- حکم اعدام در فقه اسلامی تابع اصل ممنوعیت قتل نفس است.
- ۲- در قوانین موضوعه افغانستان مجازات اعدام در غیر منصوصات شرعی بسیار محدود است و در مواردی مثل: تسلیم قسمتی از خاک کشور به دشمن و بمب گذاری اعمال می شود.

و- پیشینه تحقیق

تحقیق مستقلی که به بحث اعدام تعزیری در مذاهب اسلامی و قوانین ایران و افغانستان پرداخته باشد وجود ندارد. در کتب فقهی مذاهب اسلامی مباحثی هر چند مختصر پیرامون این موضوع وجود دارد. در کتب زیر نیز به این موضوع پرداخته شده است:

۱- کتاب التشریح الجنائی الإسلامی، عبدالقادر عوده - بحث مختصری راجع به این موضوع در مذاهب اهل سنت آمده است ولی به دیدگاه‌های فقهای امامیه و قوانین افغانستان پرداخته است.

۲- کتاب عقوبه الإعدام فی الفقه الإسلامی، امید عثمان - مواردی را به بحث پیرامون اعدام به‌طور کلی پرداخته؛ لکن پایان‌نامه حاضر به‌طور خاص به‌صورت تفصیلی به بررسی حکم اعدام در غیر موارد منصوص پرداخته و در مذاهب و فقه اسلامی در مقام مقایسه با حقوق موضوعه جمهوری اسلامی افغانستان مربوط به اعدام بر آمده است. در حالی که کتاب مذکور به‌طور کلی در فقه اسلامی موضوع را مورد بررسی قرار داده و به جزئیات وارد نشده و به‌طور مختصر به اعدام تعزیری پرداخته است. در ضمن این کتاب فقط به دیدگاه‌های اهل سنت اشاره دارد.

۳- مقاله علمی - پژوهشی منع مجازات اعدام تعزیری در فقه امامیه، که مقاله‌ای مختصر که فقط حاوی دیدگاه امامیه است و به آرای اهل سنت اشاره‌ای ندارد - محمدجعفر حبیب زاده و عادل علی پور، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمنان. شماره ۹.

ز- روش انجام تحقیق

تحقیق حاضر به شیوه توصیفی، تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای است.

ح - استفاده کنندگان از نتایج تحقیق

از حاصل این پژوهش برای رفع مشکلات اجتماعی، جلوگیری از جرائم خطرناک و حفظ و مصونیت جان انسان‌ها می‌توان استفاده کرد و استفاده‌کنندگان از نتیجه این پایان‌نامه اعم از مؤسسات آموزشی، پژوهشی، مجاری قانون‌گذاری و مراجع قانون‌گذاری، دانشگاه‌های کشور و مدارس و مراکز تحقیقات و حوزه‌های علمیه می‌توانند باشند.

فصل اول

کلیات

و مفاهیم

مبحث اول: مفهوم اعدام

واضح است که نمی‌توان اعدام و موارد وجوب آن را در اسلام ناعادلانه خواند و هم چنان نمی‌شود درباره آن بدون تحقیق قضاوت کرد. اعدام، مجازات مرگ برای ارتکاب جرم‌هایی خاص است. اعدام به معنای از بین بردن، کشتن و نیز هلاک کردن است. علمای فقه و حقوق اعدام را عبارت می‌دانند از مجازات مرگ برای ارتکاب جرم‌هایی خاص که از سوی دادگاه یا مراجع دیگر صادر می‌شود. اسلام مانند دیگر شرایع الهی اعدام مجرمان را در مواردی خاص جایز و گاهی واجب شمرده است، ضمن این که اعدام انسان‌ها را بدون این که مرتکب جرم و فسادی در زمین شده باشند حرام و گناهی عظیم می‌داند.^۱

گفتار اول: معنای لفظی اعدام

اعدام در لغت به معنای نیست کردن، کشتن، به قتل رساندن و به عدم انداختن است.^۲ واژه اعدام در زبان عربی مصدر فعل (عَدَمَ یَعْدِمُ) است یعنی نیازمند شدن «اعدم الشی فلان» یعنی آن را از دست داد عدم یعنی فقر ضد وجود معدوم غیر موجود^۳ با توجه به آخرین معنای بعدم که ذکرش گذشت لغت شناسان جمله‌ی «اعدم الجلالد المجرم» را چنین معنا نموده‌اند در مورد مجرم حکم اعدام اجرا شد مورد معنای جمله‌ی «قضاالقاضی باعدام المجرم» گفته‌اند قاضی به ازهاق روح مجرم قضاوت کرد.^۴

گفتار دوم: مفهوم عرفی اعدام

اعدام در اصطلاح شدیدترین و مهم‌ترین نوع مجازات است که به حیات مجرم خاتمه می‌دهد. اعدام، مجازاتی جنایتی، ترهیبی و ترذیلی است که هدف از آن طرد ابدی مجرم از جامعه است و معمولاً نسبت به مجرمانی اعمال می‌شود که شدیدترین جرائم را مرتکب شده‌اند و برای جامعه خطرناک و غیرقابل اصلاح و گذشت هستند. سلب حیات بزهکاران پیشینه دیرینه در تاریخ حیات اجتماعی بشر دارد و در طول تاریخ در میان اقوام و ملل گوناگون اعمال می‌شده است.

۱. ابو زهره، محمد، الجرمه والعفوبه فی القفه الاسلامی، ص ۱۲۵.

۲. ایمانی، عباس، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، ص ۱۳۸۲.

۳. قیومی، المصباح المنیر، ص ۲۳۸؛ فیروزآبادی، القاموس المحیط، ص ۱۰۴۷.

۴. جرجانی، علی بن محمد، التعریفات، ص ۱۴۱؛ مجمع الفقه العربیه، المعجم الوسیط، ج ۲ ص ۵۹۴.

گفتار سوم: اعدام در اصطلاح فقهی

اصطلاح مجازات قتل را هنگامی به کار می‌برند که در مورد جرمی، مجازات قتل تعیین شده باشد؛ اما اصطلاح اعدام نزد فقها شیوع ندارد؛ بلکه استعمال این واژه نزد قانون‌گذاران و شارحان قانون و پژوهشگران کنونی شایع شده است.

جا دارد ابتدا به تعریف واژه «قتل» نزد فقها بپردازیم و در پرتو تعریف قتل به تعریف مجازات اعدام دست رسی پیدا نمائیم. بعضی از فقها قتل را این گونه تعریف کرده‌اند: «فعلی که به بندگان نسبت داده می‌شود که با آن زندگانی نابود می‌شود. نابودی زندگانی بدون فعل بندگان مرگ نامیده می‌شود».^۱

دیگران در تعریف قتل گفته‌اند: فعلی که جان با آن از بین می‌رود، یعنی روح از بدن جدا می‌شود^۲ تعریف‌های دیگری نیز از فقها و نویسندگان دایرةالمعارف در دسترس است که البته چیزی افزون بر این دو تعریف نگفته‌اند.^۳

در پرتو تعریف فقهی قتل می‌توانیم بگوییم: منظور از مجازات اعدام در فقه خارج کردن روح محکوم‌علیه در اثر قضاوت، به جهت مجازات ارتکاب فعلی که شرعاً حرام است که سلب حق زندگی این مجازات می‌شود از این تعریف دو امر فهمیده می‌شود:

اول: اجرای مجازات فقط با قضاوت امکان دارد، آنچه برخی جهت انتقام شخصی از قاتل در بیرون از دستگاه قضاوت مرتکب می‌شوند در فقه مردود است و انتقام‌جو مورد مجازات قرار می‌گیرد.^۴

دوم: لازم است نصی صریح بر جرائم و مجازاتشان اعدام است وجود داشته باشد از این امر به قانونی بودن جرائم و مجازات یاد می‌شود. بسیاری از فقها و اغلب قوانین کیفری^۵ اجرای مجازات اعدام را با قیاس و استحسان مردود دانسته‌اند.

گفتار چهارم: تعریف حقوقی اعدام

اعدام خارج کردن روح محکوم‌علیه به یکی از وسایل مقرر در قانون است.

۱. طرابلسی، علاء‌الدین، معین الحکام فی لا یتردد الخضمین من الاحکام، ص ۱۷۶.

۲. بهوتی، منصور بن یونس، شرح الممتعی، ج ۲، ص ۳۶۶.

۳. شربینی، شمس‌الدین محمد بن احمد، مغنی المحتاج، ج ۴، ص ۶.

۴. ابو زهره، محمد، الجرمه والعقوبه فی الفقه الاسلامی، العقوبه، ص ۵۱۲.

۵. سرخسی، المحرر، ج ۲، ص ۱۲۰؛ سمرقندی، المیزان، ص ۳۸۰؛ ابن همام، التحریر مع شرحه التقرير واتحیر لابن امیر الحاج، ج

۳، ص ۳۰۶.

اعدام نوعی کیفر و مجازات و به عبارتی دیگر اشد مجازات برای محکوم است. این کیفر یکی از موارد پیش‌بینی شده در قانون برخی کشورهاست که در آن به حکم قانون و بر اساس حکم دادگاه - عمومی، جنایی، نظامی و غیره - زندگی یک انسان سلب می‌شود^۱ یا خارج نمودن روح انسان مطابق با عدل.

اما قانون مجازات عراق در ماده ۸۶ در مورد مفهوم اعدام گفته است: به طناب آویزان کردن محکوم علیه تا جایی که به مرگش بینجامد.

مبحث دوم: مشروعیت اعدام در فقه اسلامی

در فقه اسلامی گفته شده که برای جرائمی اعدام را در نظر گرفته‌اند که از حیث سنگینی، خطرناک بوده و در جامعه خطرآفرین است و آسیب آن عمل در تمام جامعه فراگیر است، توازن و شیرازه‌ی اجتماع را برهم می‌زند و برای برقرار کردن دوباره‌ی توازن در اجتماع باید با مجازات اعدام برخورد صورت گیرد. عادلانه آن است که بدی با بدی مقابله شود و استدلال می‌کنند که در قرآن جزای همانند سزا ذکر شده و جرائم عدالت را برهم می‌زند و مجازات با آن مقابله می‌کند و نظم را دوباره برمی‌گرداند و وضع جامعه را به حالت اصلی برمی‌گرداند.^۲

گفتار اول: مجازات اعدام در شریعت اسلامی

در شریعت اسلامی انسان‌ها را از ارتکاب جرائم و سرباز زدن از اوامر و نواهی خداوند، با ترساندن از خشم خداوند، مجازات اخروی و دور شدن از رحمت و نعمت الهی بازداشتته است، این بازدارندگی در مورد بسیاری از مؤمنان کارگر می‌افتد، آن‌ها را از ارتکاب جرائم و گناهان بازمی‌دارد؛ اما فقه اسلامی برای بازداشتن انسان‌ها از گناه و جرم به مجازات اخروی بسنده ننموده است؛ چون انسان‌های ضعیف را که پیوند قوی با اسلام نداشته باشند ترساندن از عذاب خداوند در دنیای دیگر، تأثیر آن‌چنانی ندارد، از این‌رو فقها جهت تضمین خوشبختی و حفظ امنیت و بازداشتن از جرائم و اندیشه‌های جرم‌زا در مورد بعضی از جرائم که رابطه با قوام جامعه و مصالح عمومی و اصلی اجتماع دارند، مجازات دنیوی در نظر گرفته که یکی از آن‌ها، مجازات اعدام است؛ اما فقه در موارد محدود، جرائم خطرناک در نظر گرفته و اعدام را وسیله و ابزاری بازدارنده و سزای عادلانه مدنظر گرفته است. این جرائم نظر به ریش ای که در جان گناه‌کار دارد و میزان ضرری که بر پیکر جامعه وارد می‌کند، اهمیت بسزایی دارند. باوجود این، اجرای مجازات اعدام مشروط به سپری شدن

۱. الحاج، ساسی سالم، عقوبه‌ی الاعدام بین الابقاء والالغاء، ص ۸۷

۲. شلتوت، محمود الاسلام، عقیده و شریعت، ص ۳۲۸.

آیین دادرسی ویژه و موجودیت شرایطی در جرم و مجرم است و علاوه از آن برای سقوط و تخفیف آن، مجالها و زمینهها را در نظر گرفته که در صورت عدم مراعات، این فرصتها به تنگنا انجامیده و دایرهی اجرای مجازات را فراهم می‌سازد. فقها به جای اصطلاح اعدام، قتل را بکار بردند؛ اما در عصر جدید کلمه‌ی اعدام شیوع و شهرت یافته درحالی که معنای هر دو گرفتن جان و سلب حیات محکوم علیه با حکم شریعت و قانون و از طریق دادرسی است ولو هر کلمه‌ای استفاده شود فرق ندارد چون مراد، همان مقصد مطلوب است.^۱

از این رو که جرائم با قوام یک تمدن اسلامی رابطه‌ی محکم دارد پایه‌هایی که در حفظ خوبی‌های و مصالح ضروری بنا شده و آن از اهداف فقه اسلامی بشمار می‌رود زیاده‌روی در حق این مصالح باعث شدیدترین مجازات و بازدارنده‌ترین مجازات بی‌رحمانه می‌گردد.^۲ فقه اسلامی مجازات اعدام را به عنوان ابزار بازدارنده و جزای عادلانه استفاده کرده و در مورد جرائم خطرناک و معینی قابل اجرا دانسته است؛ جرائمی که کیان خانوادگی را مورد تحدید قرار می‌دهد و با کیان خانواده رابطه‌ی تنگاتنگ دارد و انجام آن اعمال، لطمه‌ی بزرگی به پیکر خانواده وارد کرده و آن حریم مقدس را می‌پاشاند، از این رو باید سخت‌ترین مجازات را بر دوش برد.

مبحث سوم: اعدام در موارد منصوص در فقه مذاهب اسلامی

اسلام مانند دیگر شرایع الهی اعدام مجرمان را در مواردی خاص، جایز و گاهی واجب شمرده است. ضمن اینکه اعدام انسانها را بدون اینکه مرتکب جرم و فساد در زمین شده باشند حرام و گناهی عظیم می‌داند. جرم‌های مستحق اعدام در اسلام عبارت است از:^۳

گفتار اول: قتل نفس محترم

مجازات کسی که نفس محترمی را بکشد اعدام است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى»^۴ افزون بر آیات مذکور، آیات دیگری نیز به‌طور خاص یا بر وجه عموم، بر جواز اعدام قاتل نفس محترم دلالت دارد؛ از جمله آیاتی که ولی مقتول را بر جان قاتل، مسلط دانسته است:

«مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيِّهِ سُلْطٰنًا»^۵

۱. ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد، الاحکام السلطانیة، ص ۳۷۴.

۲. شلتوت، محمود، ص ۳۰۰؛ زحیلی، محمد، النظریات الفقهیة، ص ۲۶.

۳. زحیلی، محمد، النظریات الفقهیة، ص ۲۶.

۴. بقره/۱۷۸ و ۱۷۹؛ مائده/۴۵.

۵. اسرا/۲۳۳.

آیاتی که مقابله به مثل را جایز شمرده است:

«فَمَنْ اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ»^۱

آیاتی که دلالت بر حرمت قتل انسان‌هایی دارد که مرتکب قتل نشده‌اند:

«مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَیْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِی الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا»^۲

آیاتی که کشتن انسان‌ها را به حق، از حکم کلی حرمت قتل نفس محترم استثنا کرده است:

لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِی حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ^۳

از نظر اسلام در جواز اعدام قاتل، برابری قاتل و مقتول در حریت و رقیت و زن و مرد بودن شرط

است:

«الْحَرُّ بِالْحَرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَى بِالْأُنْثَى»^۴ اعدام قاتل واجب نبوده، بلکه حقی است که خداوند

برای اولیای مقتول قرار داده است، از این رو اگر آنان مایل باشند می‌توانند از اعدام قاتل در برابر

دریافت دیه یا بدون گرفتن آن صرف نظر کنند: «مَنْ عَفِیْهِ لَهُ مِنْ أَخِیْهِ شَیْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ

إِلَیْهِ بِإِحْسَنِ»^۵ و این حکم تخفیفی از جانب خداست: «ذَلِکَ تَخْفِیْفٌ مِّن رَّبِّکُمْ وَرَحْمَةٌ» و قرآن به

طرفین هشدار می‌دهد که پس از اعدام قاتل یا بخشش او هیچ‌یک حق تعرض به دیگری را ندارند:

«فَمَنْ اَعْتَدَى بَعْدَ ذَلِکَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِیمٌ»^۶

گفتار دوم: قتل زانی محصنه

زنا آمیزش از راه نامشروع می‌باشد زنا در اصطلاح شرع عبارت است از داخل کردن مرد آلت

تناسلی خود را در فرج زن به مقدار ختنه گاه یا بیشتر، بدون آنکه بین آن دو عقد ازدواجی واقع شده

باشد یا مرد مالک زن باشد یا شبهه عقد یا ملک وجود داشته باشد.

دین اسلام برای صیانت از کانون خانواده و حفظ ارزش‌های انسانی و اخلاقی در جامعه، قوانین

خاصی را در نظر گرفته است. حدود در اسلام برای حفظ این ارزش‌ها و جلوگیری و ممانعت از

ورود افراد جامعه به انجام رفتارهای ضد ارزشی و اخلاقی وضع شده است. حد زنا نیز عقوبتی است

۱. بقره/۱۹۴؛ نحل/۱۲۶؛ شوری/۴۲-۴۰۴.

۲. مائده/۳۲.

۳. انعام/۱۵۱.

۴. بقره/۱۷۸.

۵. بقره/۱۷۸.

۶. بقره/۱۷۸.

برای فرد خطاکار که در غیر چارچوب و محدوده شرعی و قانونی رابطه جنسی با فرد نامحرم برقرار کرده است.^۱

بعضی از فقها چنین تعریف نموده‌اند: زنا در تعریف فقهی آن؛ وطی و آمیزش مرد و زن بدون اینکه بین آنان ملکیت شرعی از طریق ازدواج وجود داشته باشد، است که عقوبت این عمل حد زنا است که به سه صورت؛ زدن تازیانه، اگر مرد و زن مجرد باشند، یا تبعید به مدت یک سال و سنگسار انجام می‌پذیرد.

بعضی از علمای فقه فرموده‌اند: که زنا به نزدیکی بین زن و مرد (شامل آمیزش جنسی مهملی و مقعدی) در شرایط تأهل برای یک یا طرفین رابطه اطلاق می‌شود. یعنی آلت مرد در آلت زن داخل گردد و دخول هم به مقدار ختنه‌گاه صورت بگیرد. اگر نزدیکی و دخول صورت نگیرد، به آن زنا نمی‌گویند؛ بنابراین هرچند لمس یا دیدن بدن دختر نامحرم، حرام است اما حکم زنا را ندارد و حد زنا جاری نمی‌شود.

در قرآن نیز آیاتی وجود دارند که‌شان نزول آن‌ها درباره‌ی تحریم زنا می‌باشد. خداوند در قرآن فرموده به زنا نزدیک نشوید که خطرناک و حرام است.^۲

انواع زنا در اسلام

زنا دارای موارد مختلفی است که برای هر کدام از آن‌ها کیفرها و حدود جداگانه‌ای در اسلام وجود دارد.

۱. زنا با محارم ۲. زنا به عنف ۳. زنا محصنه ۴. زنا غیر محصنه

زنا با محارم

زنا با محارم به معنای آن است که مثلاً یک مرد با یکی از زن‌هایی که جزو محارم نسبی وی هستند و ازدواج کردن با آنان ممنوع (حرام) است، زنا کند. محارم نسبی مانند: مادر، خواهر، دختر، دخترخواهر، دختر برادر، عمه یا خاله.

مجازات زنا با محارم: کیفر آن بنا بر نظر بعضی از فقها اعدام است، ولی مفاد بعضی از روایات این است که با شمشیر یک ضربه به گردن او بزنند و اگر زنده ماند او را در حبس نگاه دارند تا بمیرد، و احوط رعایت این دستور است. حکم اعدام در زنا با زنانی که به واسطه شیر خوردن محرم شده‌اند

۱. النووی، محیی الدین یحیی بن شرف، روضه الطالبین و عمدہ المفتین، ج ۳، ص ۴۵۲.

۲. الماوردی، ابوالحسن، الحاوی الکبیر، ج ۹، ص ۹۳۲.